

کارکرد های زبان در قرآن

*علی ابراهیمی نیا**عفت شوندی

*دانشگاه فرهنگیان قم، رایانامه: Ali.ebrahiminiya@gmail.com

**آموزگار دبستان عبدی پور قم، e.shavandi51@gmail.com

چکیده:

هدف از این مقاله بررسی کارکرد های مختلف زبان در قرآن است. روش تحقیق این مقاله، روش تحلیلی و توصیفی است و برای جمع آوری داده ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. یافته های مقاله نشان می دهد که قرآن به عنوان کتاب زندگانی همه بشریت و معجزه ی بزرگ آخرین فرستاده خدا حضرت محمد(ص) براساس زبان و مهارت های زبانی نازل شده است این بدان معنی است که زبان دارای ظرفیت بسیار بالایی است و زبان قرآن زبان تالیفی (چند بعدی)، شبکه ای است نیاز داریم تا با تکیه بر آیات قرآن در مورد زبان و مسایل زبانی از جمله آموزش و گسترش زبان و اختلالات زبانی به پژوهش بپردازیم. نکته قابل توجه دیگر، توجه جدی به آموزش مهارت های کلامی و فن بیان به فرزندان بر اساس آموزه های قرآنی است تا هم خوب سخن بگویند و هم سخن خوب بگویند.

کلید واژه: قرآن، زبان، کارکردهای زبانی، زبان قرآن.

مقدمه

الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ. (الرحمن: ۳ - ۱)

خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود، انسان را آفرید، و به او بیان را تعلیم کرد.

خداوند متعال پس از یادآوری آفرینش انسان، مسئله آموزش به کمک زبان را یادآوری می کند. بزرگ ترین مظهر لطف و مهربانی خدا به انسان این است که قدرت تکلم و بیان را به او ارزانی داشته است. انسان با داشتن این ویژگی می تواند در همان سال های اولیه زندگی اصلی ترین نظام ارتباطی جامعه ی خود را بیاموزد.

در این آیه، خداوند به یکی از مهم ترین نعمت ها بعد از نعمت آفرینش انسان اشاره می کند و می فرماید به انسان بیان را تعلیم دادیم. بیان از نظر مفهوم لغوی، معنی گسترده ای دارد و به هر چیزی گفته می شود که مبین و آشکار کننده چیزی باشد. بنابراین، نه فقط نطق و سخن را شامل می شود بلکه کتابت و خط و انواع استدلال عقلی و منطقی که مبین مسائل مختلف و پیچیده است همه در مفهوم بیان جمع است، هرچند شاخص این مجموعه همان سخن گفتن است. گرچه ما به دلیل عادت به سخن گفتن آن را مسئله ساده ای فکر می کنیم، ولی در حقیقت سخن گفتن از پیچیده ترین اعمال انسان است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۲، ج ۲۳، ص ۹۸)

یکی از ویژگی های قرآن کریم ارتباط تنگاتنگ آن با زبان است. به طوریکه حتی نام آن هم از یکی از مهارت های زبان یعنی خواندن گرفته شده است و قرآن یعنی خواندنی. همچنین در کتابت آن نیز باز با زبان و مهارت های آن (نوشتن) رو به رو می شویم و برای فهم و تفسیر و تاویل احتیاج به تفکر و زبان داریم.

در قرآن کریم بارها به زبان و نقش های آن در جامعه، زندگی و بندگی و به طور کلی تمام مناسبات انسان اشاره شده است. و این اشارات بیش از پیش توجه اذهان را به رابطه قرآن و زبان و عبرت گیری از آن جلب می نماید.

امروزه باید همه دانش های دقیق را به خدمت قرآن و تفکر دینی فراخواند و از دستاوردهای آنان در تحلیل این کتاب آسمانی سود جست. بی تردید زبان شناسی شناختی یکی از این دانش ها و بلکه از مهمترین آنها است (قائمی نیا، ۱۳۸۶، ص ۲۱).

در این مقاله کارکرد های مهم زبان را با بهره گیری از آیات نورانی قرآن مورد بررسی قرار می دهیم. تا در یک زمان به دو نعمت با عظمت الهی یعنی قرآن و زبان توجه کرده باشیم. مهم ترین سوال در این مقاله این است که قرآن کریم از چه زوایای به زبان و کارکرد های آن نگریسته است؟ البته قرآن همیشه همچون باران روح بخش و رویش دهنده بر سر ما می بارد ولی ما خواسته یا ناخواسته متوجه این امر نمی شویم.

اهمیت زبان



زبان به عنوان عنصری برجسته در زندگی اجتماعی که بر سایر ابعاد فکری و فرهنگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد، پدیده‌ای بسیار پیچیده و پویا است. زبان آیینی تمام‌نمای فرهنگ هر جامعه می‌باشد و تبلوری از افکار و آداب و رسوم یک ملت و موجب انتقال ارزش‌ها و اندیشه‌ها و برانگیزاننده‌ی حس تعلق اجتماعی و گرایش به همبستگی گروهی می‌باشد، پرداختن به زبان و مسائل مرتبط به آن مانند آموزش و... در سطح باارزش‌ترین مسائل هر ملتی قرار دارد (ابراهیمی‌نیا، ۱۳۸۸).

اگر زبان از جامعه انسانی گرفته شود، چرخ اجتماع از حرکت باز می‌ایستد؛ جامعه‌ی انسانی از هم گسیخته می‌شود؛ تمدن و فرهنگ بشری نابود می‌شود؛ جامعه‌ی پرتکاپو و تلاش، از جوش و خروش می‌افتد و پژمرده می‌شود و سرانجام زندگی انسان به صورت ابتدایی خود باز می‌گردد. (باطنی، ۱۳۷۴، ص ۱۲)

در قرآن کریم، سوره روم خداوند یکی از نشانه‌های خود را زبان و اختلاف زبان‌ها در کنار آفرینش آسمان و زمین یاد می‌کند. "و از جمله آیات او آفرینش آسمان‌ها و زمین است و اختلاف زبان‌های شما و رنگ‌های شما، بی‌گمان در این برای دانشمندان مایه‌های عبرت است" (روم: ۲۲).

همچنین پیامبران الهی با زبان و استفاده از بیان و مهارت‌های متناسب زبانی مردم را به سوی حق پرستی فرا می‌خوانند و این نقش شگرف زبان به عنوان ابزار اصلی تبلیغ انبیا برشمرده شده است و نظام تعلیم و تربیت بدون بهره‌گیری از زبان نمی‌تواند از عهده مسوولیت‌ها و وظایف خود بر آید. در روابط خانوادگی و اجتماعی، معاملات، مذاکرات، جلسات علمی و... این زبان است که ایفای نقش می‌کند و آن که از مهارت بالای زبانی و خلاقیت بیشتر زبانی بر خوردار است دیگران را به سوی هدفی ترغیب یا اقناع می‌کند.

تعریف زبان

زبان مجموعه‌ای از نشانه‌ها یا دلالت‌های وضعی است که از روی قصد میان افراد بشر برای القای اندیشه یا فرمان یا خبری از ذهنی به ذهن دیگر به کار می‌رود (ناتل خانلری، ۱۳۶۹، ص ۱۴۵).

نوام چامسکی^۱ زبان‌شناس، راجر برون^۲ روان‌شناس و اریک لنبرگ^۳ زیست‌شناس، نظریه‌ای که مکمل نظریه‌ی اجتماعی زبان است، عرضه کرده‌اند. بنابر این نظریه، زبان یک شالوده‌ی زیستی است که در طی قرن‌ها از طریق تکامل حاصل شده است و در هنگام تولد، ذاتی ذهن هر کودک است. زبانی که کودک از محیط می‌آموزد در حکم روبنایی است که بر این شالوده‌ی ژنتیکی قرار می‌گیرد (مدرسی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۸).

داگلاس براون^۴ (۱۳۸۶) از ادغام تعاریف مختلف به چند جمله‌ی تعریفی از زبان اشاره می‌کند که می‌توانند، زبان را در محدوده‌ی تعداد معدودی از واژه‌ها به طور دقیق شرح دهند. زبان نظام مند است.

زبان مجموعه‌ای از نشانه‌های اختیاری است.

این نشانه‌ها عمدتاً صوتی هستند، اما ممکن است به صورت بصری نیز باشند.

این نشانه‌ها به مفاهیم قراردادی اشاره دارند.

زبان برای برقراری ارتباط به کار می‌رود.

زبان در جامعه‌ی گفتاری یا در یک فرهنگ عمل می‌کند.

زبان اساساً متعلق به انسان‌ها است اگرچه ممکن است به انسان‌ها محدود نباشد.

ماد مردم تقریباً زبان را به یک روش فرا می‌گیرند، زبان و یادگیری زبان هر دو دارای خصوصیات جهانی هستند (براون، ۱۳۸۶، ص ۵).

کارکرد های زبانی

زبان کارکرد های گوناگونی دارد اما مهمترین آن‌ها که مورد توافق اکثر زبان‌شناسان است عبارتند از: ارتباطی، تکیه‌گاه اندیشه، عاطفی (حدیث نفس)، هنری

¹ - Noam chomsky

^۲ - Roger brown

^۳ - Eric Lenneberg

⁴ -Douglas Brown



الف) نقش ارتباطی^۱: اساسی ترین نقش زبان ایجاد ارتباط بین انسان هاست. همه ما در محیط های متفاوت اجتماعی خود از جمله در خانواده، مدرسه و... در مسائل اداری آموزشی و بازرگانی و... در استفاده از رسانه های ارتباط جمعی و کتاب و همچنین در دهها نقش دیگر در هر روز چندین ساعت از زبان فارسی و حتی از زبانهای خارجی استفاده می کنیم. زبان چنان با زندگی ما عجین است که ما هیچ گاه آگاهانه به این همگامی بسیار نزدیک توجهی نداریم.

ب) تکیه گاه اندیشه^۲: زبان انسان علاوه بر نقش ارتباطی یک پدیده جامعه شناختی است. نقش روان شناختی هم دارد که با عنوان تکیه گاه اندیشه از آن یاد می شود. بسیاری معتقدند اکثر فعالیت های ذهنی انسان در قالب زبان شکل می گیرد. این واقعیت دانشمندان را به این فکر رهنمون شده است که ادعا کنند اساسا زبان است که اندیشه ورزی را به آدمی می آموزد. رابطه تنگاتنگ زبان و تفکر حتی برخی را بدین سو هدایت کرده است که با قائل شدن به پدیده های به نام (نسبیت زبانی) معتقد شوند که انسان ها محصور در توانش زبانی آنان است (زندگی، ۱۳۸۵، ص ۱۶).

ج) نقش عاطفی (حدیث نفس): از زبان برای بیان حالت های عاطفی شخصی و تحلیل احساسات درونی خود نیز سود می بریم. در بسیاری از موارد هنگام شادمانی زاید الوصف که بر اثر شادکامی پیش می آید و یا هنگام اندوه فراوان که بر اثر ناکامی رخ می نماید، برای مواجهه باروی خوش زندگی یا مقابله با چهره سیاه و تاریک حیات، از زبان برای نشان دادن شغف یا نامرادی خود استفاده می کنیم. بارها شاید سخن گفتن جوانی که به رویای خود دست یافته یا مادری که عزیز خود را از دست داده است بویژه در این موارد نقش عاطفی زبان هویدا می شود.

د) نقش هنری. زبانی که برای ایجاد ارتباط به کار می رود از لحاظ زیبایی شناختی بسیار ساده و به دور از هرگونه پیرایه است. اما گاهی انسانها با تغییراتی در ساختهای آوایی، صرفی، نحوی، و معنای زبان، آن را طوری سامان می دهند که حس زیبایی شناختی انسان و طبع هنری او را تحت تاثیر خود قرار می دهد. این نقش زبان بیشتر در آثار ادبی مانند: شعر و داستان و هنرهای جدید مثل تئاتر و سینما متجلی می شود. (همان، ص ۱۷) قرآن کریم عالی ترین نمونه ای است که می تواند نقش هنری زبان را جلوه گر سازد. یاکوبسن^۳ (۱۹۴۱) شش جزء برای یک پیام می شمرد که در منابع مختلف به نامهای مختلف به آن اشاره شده است. مثلا: گوینده، مخاطب، پیام، موضوع، رمزگان و محمل.

به نظر او تمرکز بر هر یک از این شش جزء در یک پیام، کارکردی خاص از زبان را در آن پیام پدید می آورد. با همان ترتیب اگر بشمریم: کارکردهای عاطفی، ترغیبی، زیبایی شناختی، اخباری، فرازبانی و همدلی جویانه. امام علی علیه السلام در حدیثی زیبا کارکرد های زبان را این گونه بیان می فرماید:

در انسان ده خصلت وجود دارد که تنها زبان آنها را آشکار می سازد. در مقام شهادت از باطن خبر دهنده است، در مقام حکومت حلّ و فصل کننده است، در مقام نطق به سوالات جواب دهنده است، در برابر نیازمندان شفاعت کننده است، در مقام توضیح مجهولات معرفّ اشیا است، در مقام امارات دستور دهنده به کارهای نیک است، در مقام وعظ، از کارهای بد باز دارنده است، در موارد مصیبت و غصّه تعزیت گوینده و تسکین دهنده است، در موارد حقد و حسد با مدّاحی آنها را از بین برنده است و خوش سُرّاینده است که شنونده را به وجد می آورد بحارالأنوار: ج ۷۴، ص ۲۸۳ و أصول الکافی: ج ۸، ص ۲۰).

زبان قرآن

در رابطه با زبان قرآن دیدگاه های متفاوتی ارائه می شود: برخی زبان قرآن را نمادین، برخی اسطوره ای، برخی تمثیلی، برخی رمزی و اشاری، برخی زبان هدایت، برخی زبان فطرت، برخی زبان ظاهرگرا، عده ای سلبی، برخی مجازی و برخی زبان عرفی دانسته اند. لی که مطرح می شود این است که: خداوند با چه زبانی و در چه قالب و فضایی با مردم سخن گفته است؟ چه به اینکه قرآن کتاب هدایت برای همه انسانها است و به «لسان قوم» نازل شده است، ظواهر آن عرفی و قابل فهم همگان است. ولی این زبان ویژگی ها و در مواردی اصطلاحات خاصی دارد که آن را زبان مخصوص به خود و متعالی تر از زبان عرف می گرداند.

^۱ .communicative function

^۲ .medium of thought

^۳ . Roman Jakobson



زبان قرآن، نه یکسره رمزی است، نه علمی، نه ادبی و نه عرفی، اگر چه نمودهایی از آنها را در خود دارد. زبان قرآن مخصوص به خود است. زیرا قرآن کتاب الهی است. پس باید در عین عرفی بودن، جلوه‌های درخشان و قدسی نیز در خود داشته باشد تا هر کس از آن به اندازه درک خویش بهره ببرد. قرآن در عین اینکه تالیفی است وحدت شبکه ای دارد. لذا می توان زبان قرآن را تالیفی- شبکه ای دانست. به عنوان مثال قرآن عقل واحساس، حکمت وموعظه، تعلیم وترتیب را پیوند می زند. این پیوند سبب شده است که در این کتاب عقل واحساس وعمل وبه عبارتی بعد شناختی وعاطفی ورفتاری در هم آمیزند(مامورزاده، ۱۳۹۲).

اگر کتابی جهان شمول و جاودانه باشد باید به گونه ای با جهانیان سخن بگوید که همگان از فهم آن نصیبی داشته باشند و هیچ کس بهانه ی نارسایی زبان یا نا آشنایی آن راه سلوک و صعود خود نبینند و از پیمودن مسیر سعادت نا امید نشود. تنها زبانی که جهان گسترده ی بشریت را هماهنگ می کند، زبان فطرت است که فرهنگ مشترک انسان هاست و قرآن کریم با همین فرهنگ مشترک با انسان ها سخن می گوید. نشانه ی فطری بودن زبان قرآن و مشترک بودن فرهنگ جهان شمول آن را می توان در گردهمایی دلپذیر سلمان فارسی و سهیب رومی و اویس قرنی بلال حبشی و عمار عربی در ساحت قدس پیامبر جهانی، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و اله و سلم مشاهده کرد(جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۳۵۴).

زبان و کارکرد های آن در قرآن

کلمه لسان (زبان) ۲۵ بار در قرآن آمده است که با تعداد مواردی که واژه مَوْعِظَةٌ (پند و اندرز) آمده برابر است. خداوند در بعضی آیات از زبان به عنوان عضو ی از بدن انسان یاد می کند و در جایی از آن به عنوان وسیله ای جهت هدایت انسان ها و یا از تنوع زبان به عنوان نشانه الهی که باعث شناخت است یاد می کند در بعضی آیات به این اشاره شده که در واقع صحبت کردن به زبان مردم، باعث فهم بیشتر می شود و علت نزول قرآن به زبان عربی - زبان معمول مردم آن زمان - این است که آن را فهمیده و در جملات آن تفکر شود. بعضی از مفسرین معتقدند کلمه (لسان) در قرآن به چهار معنی و مفهوم بکار برده شده است که در زیر براساس این تقسیم بندی معنایی و کارکرد های زبان، مصادیق مربوط به هر کدام را بیان می کنیم.

الف: زبان به معنای زبان و وسیله نطق با تاکید بر کارکرد ارتباطی آن

۱- أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ، وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ

آیا برای انسان دو چشم قرار ندادیم؟ و یک زبان و دو لب؟ (بلد: ۸-۹)

در این آیات خداوند ضمن اشاره به مهمترین نعمت های خود به انسان او را به تفکر و شکر گزاری فرا می خواند. زیرا انسان بوسیله زبان می تواند ارتباط برقرار کند نیازهای جسمی، روحی و روانی خود را برطرف سازد. در آموزش و تعلیم و تربیت نیز، بی شک مهمترین ابزار و عامل رشد بشر زبان می باشد.

۲- وَأَحْلَلْ عَقْدَةً مِنْ لِسَانِي، يَفْقَهُوا قَوْلِي. (طه: ۲۷- ۲۸)

و گره از زبانم بگشا، تا سخنان مرا بفهمند.

قدرت بیان و تکلم در ادای رسالت رسولان الهی نقش مهمی دارد به گونه ای که حضرت موسی(علیه السلام) از خداوند می خواهد هر نوع لکنت و گره ای را از زبان او بردارد و سخنش آن چنان فصیح و بلیغ باشد که همه مخاطبان منظور وی را درک کنند.

۳- وَ أٰخِي هَارُونَ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا. (قصص: ۳۴)

و برادرم هارون از من فصیح تر است او را هم با من و به کمک من بفرست تا مرا تصدیق کند.

در این آیه داشتن مهارت های کلامی و استفاده از خلاقیت های زبانی با تأکید بر کارکرد ارتباطی زبان مورد توجه بوده است. اصولاً کار بزرگ پیامبران که ابلاغ رسالت الهی است به شیوه انتقال شفاهی بوده است و پیامبران با سکوت نمی توانستند به مسئولیت سنگین خود عمل کنند.

۴- وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ (شعرا: ۱۳) پیش از آن، کتاب موسی که هدایت و رحمت بود و این قرآن مصدق تورات است و به زبان عربی ساده بیان فرموده شده و مقصد آنست که ستمکاران را هشدار و نیکوکرداران را بشارت دهد

۲- وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلَّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (ابراهیم: ۴)

ما هیچ پیامبری را جز اینکه به زبان قومش تکلم کند به پیامبری مبعوث نکردیم تا بتواند حقایق و مطالب دین را برای آنها به خوبی شرح دهد. پس خداوند هر کس را مصلحت بداند در گمراهی وا می نهد و هر کس را مصلحت بداند هدایت می فرماید و اوست آن بی همتا قدرتمند منشا حکمت.

۳- وَ لَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَ هَٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ (نحل: ۱۰۳)

ما کاملاً اطلاع داریم که آنها می گویند: بشری او را تعلیم می دهد. زبان مادری شخصی که چنین نسبتی به او می دهند، زبان بیگانه است و این قرآن (به زبان خود پیامبر یعنی) به زبان عربی است که برای عرب زبانها واضح و روشن و قابل فهم است.

۴- بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ. (شعرا: ۱۹۵)

"و (قرآن) به زبان عربی ساده و قابل فهم بیان شده است.

۵- فَاتِمًا يَسْرُبًا بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (دخان: ۵۸)

(ای پیامبر) ما قرآن را به زبان مادری تو (که زبان عربی است) بیان فرمودیم تا آسان باشد و مردمان معانی را درک کنند و پند بگیرند.

ج: زبان به معنی دعا ۱- لَعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (مائده: ۷۸)

آنهایی که از قوم بنی اسرائیل کافر شدند، (به امر خداوند) به زبان (دعای) داوود و عیسی پسر مریم لعنت شدند، این مجازات به سزای نافرمانی (از امر خداوند و پیامبران) و تجاوز گری مصرانه آنها مقرر فرموده شد.

د: زبان به معنای نام نیک و آوازه خوب

- وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا (مریم: ۵۰)

و رحمت خویش را به آنها ارزانی داشتیم و سخن نیکو و آوازه بلند دادیم .

-وَأَجْعَلِ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ (شعرا: ۸۴)

"و برای من در بین آیندگان نام نیکو و ذکر خیر نصیب فرما.

چگونه سخن بگوییم؟

بسیاری از مردم سخنان خود را جزء اعمال خویش نمی دانند و خود را در سخن گفتن آزاد می پندارند، در حالی که مؤثرترین و از طرفی خطرناک ترین اعمال آدمی، همان سخنان اوست که در بافت ها و شرایط اجتماعی گو ناگون به زبان می آید.

گام اول در تمام موقعیت های زبانی حتی در امر به معروف و نهی از منکر، بیان نیکو و نرم است. بیان نرم امید ها را زنده می کند و تفهیم و تفاهم در بالاترین درجه انجام می پذیرد، حتی اگر مخاطب شما فرعون باشد.

۱- وَ قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنْ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا (اسرا: ۵۳)

(ای پیامبر) به بندگانت بگو سخنی گویند که نیکوتر است ، چرا که شیطان میان آنها فتنه و فساد می کند . همانا شیطان برای انسان دشمنی آشکار بوده است.

۲- مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (ق: ۱۸).

هیچ سخنی را انسان تلفظ نمی کند، مگر این که نزد آن فرشته ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت است.

عمومیت تعبیر آیه نشان می دهد که تمامی الفاظ و گفتار آدمی ثبت می شود. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هنگامی که دو مؤمن کنار هم می نشینند و بحث های خصوصی می کنند، حافظان اعمال به یکدیگر می گویند ما باید کنار رویم، شاید آنها سرّی دارند که خداوند آن را مستور داشته است (علامه مجلسی، ج ۷۳، ص ۲۹) .

۳- قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا و به زبان خوش با مردم تکلم کنید (بقره: ۸۳).

خداوند به حضرت موسی امر کرد موقعی که پیش فرعون می روی با زبان نرم سخن بگو (فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِيَنَّا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى) و با او کمال آرامی و نرمی سخن گویند، باشد که متذکر شود یا (از خدا) بترسد (و ترک ظلم کند)(طه: ۴۴).

۴- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (احزاب: ۷۰).

ای اهل ایمان! خدا ترس باشید و سخن محکم و استوار گویند.

سدید در لغت به معنی " محکم و استوار" و خلل ناپذیر و موافق حق و واقع است، سخنی که همچون یک سد محکم جلو امواج فساد و باطل و کژئی ها را می گیرد و استوارگویی در سخن، یکی از مصادیق تقوا است.

بحث و نتیجه :

خداوند در قرآن کریم زبان را برترین رسانه معرفی می کند زیرا قرآن و پیام الهی از طریق زبان جاری می شود. از طرفی خدمت بزرگی که زبان قرآن و زبان حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) در جامعه انسانی انجام داد، هیچ قدرتی توانایی انجام آن را ندارد. در واقع گفتار و بیان و تعلیم آن که در ضمیر انسان است از مواهب و آثار رحمت و برکت خداوند به حساب می آید در حقیقت سخن گفتن از شگفت انگیز ترین اعمال انسان است و دامنه عمل بسیار وسیعی دارد.



از امام زین العابدین (علیه السلام) سؤال شد از کلام و سخن گفتن و ساکت شدن کدام بر تر است؟ امام (علیه السلام) فرمودند: برای هر کدام از این ها آفاتی است، وقتی از آفات سالم ماند، سخن گفتن افضل است از سکوت. عرض شد چگونه می شود ای فرزند پیامبر، امام فرمود: انبیا و اوصیا به خاموشی مبعوث نشده اند بلکه خداوند آنها را به سخنرانی فرستاده و بهشت با سکوت به دست نمی آید، و دوستی خدا را با سکوت نمی توان یافت، جلوی آتش دوزخ را با سکوت نمی توان گرفت، همه اینها با سخن گفتن بدست می آید. من هیچ وقت بین ماه و خورشید برابری نمی گذارم، ولی تو می خواهی فضیلت سکوت را توصیف کنی و در مقام این نیستی که فضیلت سخن گفتن را از راه کم ارزشی سکوت، معرفی کنی. (علامه مجلسی، ج ۲۷۴، ص ۶۸)

زبان، پدیده ای که ما به آسانی از کنار آن می گذریم و همیشه از آن استفاده می کنیم، بسیار پیچیده و پر رمز و راز است و هر چه بیشتر در مورد آن مطالعه می کنیم، بیشتر به حساسیت آن پی می بریم. و بیشتر نیاز داریم تا در مورد زبان و مسایل زبانی از جمله آموزش و گسترش زبان و اختلالات زبانی به پژوهش بپردازیم. امری که تاکنون به نسبت اهمیت موضوع، کمتر به آن پرداخته شده است. نکته قابل توجه دیگر در این رابطه توجه جدی به آموزش مهارت های کلامی و فن بیان به فرزندان بر اساس آموزه های قرآنی است تا هم خوب سخن بگویند و هم سخن خوب بگویند.

از طرفی قرآن، این کتاب الهی دارای زبانی گویا در باره ی همه ی حقایق مربوط به انسان معنادار و جهان معنا دار است (علامه جعفری، ۱۳۸۲: ۱۶۰). و ما می توانیم با زبان قرآن (زبان فطرت) و رسایی و گویایی آن از آفت های زبان که هم روابط الهی و انسانی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد و هم از گناهان نابخشودنی است به دور باشیم.

پیشنهادهای راهبردی:

- با هدف بومی سازی، فرهنگ و سبک زندگی قرآنی (اسلامی) در فرم و محتوای آموزش زبان وارد شود.
- به رویکرد قرآنی - ارتباطی در آموزش زبان اولویت داده شود.
- راه اندازی کرسی زبان شناسی قرآن در حوزه و دانشگاه

منابع:

- قرآن کریم
- ابراهیمی نیا، علی (۱۳۸۸). بررسی مواد آموزشی مورد استفاده در تدریس زبان فارسی مقدماتی در میان زبان آموزان مدرسه المهدی قم، تهران: دانشگاه پیام نور مرکز تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- باطنی، محمد رضا (۱۳۶۷). **مجموعه مقالات درباره ی زبان**، تهران: انتشارات آگاه.
- جوادی آملی، عبدا... (۱۳۸۶). **قرآن در قرآن**، قم: انتشارات اسراء
- زندی، بهمن (۱۳۸۳). **روش تدریس زبان فارسی (در دوره ی دبستان)**، تهران: انتشارات سمت.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۸۲). **قرآن نماد حیات معقول**، تهران: موسسه ی تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- قائمی نیا، علی رضا (۱۳۸۶). زبانشناسی شناختی و مطالعات قرآنی، مجله ذهن، شماره ۳۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). **اصول الکافی**، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۴۶). **بحار الانوار**، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامیه
- مدرسی، فاطمه (۱۳۸۶). **از واج تا جمله**، تهران: انتشارات چاپار.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). **درآمدی بر جامعه شناسی زبان**، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و علوم انسانی
- مکارم شیرازی و همکاران، ناصر (۱۳۷۲). **تفسیر نمونه**، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامیه
- کافی، اشرف (۱۳۹۲). زبان در قرآن. <http://www.parsquran.com/articles/zaban.htm>
- مامورزاده، فریحه (۱۳۹۲). زبان قرآن از نگاه شهید مطهری، دو فصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، سال هفتم، شماره ۲۶
- معموری، علی (۱۳۸۶). دانش زبان شناسی و کاربردهای آن در مطالعات قرآنی، قرآن و علم پاییز و زمستان ۱۳۸۶ شماره ۱.